

بررسی نقش راهبردی و ارائه شاخص‌های خانواده کارآمد در تحول حکمرانی متعالی

محمود یقینی^۱

علی خزاعی^۲

موسی الرضا قائمی^۳

علی یقینی^۴

چکیده

در نظام جمهوری اسلامی ایران، حکمرانی متعالی گام اصلی و شرط لاینفک رسیدن به تمدن مهدوی و یکی از بسترهای اصلی در استحکام قدرت ملی است. لیکن بر اساس مطالعات انجام شده حکمرانی موجود ظرفیت لازم را برای تحقق رسیدن به تمدن مهدوی ندارد و ضرورت تحول در حکمرانی بخوبی احساس می شود و بی شک حکمرانی متعالی بدنبال رفع این مشکل و تحول در حکمرانی موجود می باشد. عده‌ای از صاحب نظران پیشرفت‌های انقلاب اسلامی را ناشی از اجرای درست اصول و ارزش‌های انقلاب و استحکام بافت درونی نظام و از جمله اتکا به توانمندی‌های داخلی و مردم دانسته و معضلات بدخیم را ناشی از فاصله گرفتن از مردم به ویژه عدم توجه لازم به عوامل موفقیت در نهاد گرانسنگ خانواده می‌دانند و «حکمرانی تحول» را فرایندی تعالی‌گرا، برخاسته از مبانی اسلام ناب و نظریه «نظام انقلابی» دانسته و از جمله مهمترین الگوهای آن را «حکمرانی مردم‌پایه با محوریت خانواده» می‌دانند. همانگونه که یکی از عناصر اصلی موثر و تاثیر گذار در قوام اجتماعی و قدرت ملی خانواده می باشد. با بررسی سیر تحول خانواده ایرانی در گذر تاریخ، خانواده ایرانی همواره مسیر تحول را طی نموده که این تحول اکثرا به سوی رشد و کمال و زمانی نیز به سمت انحطاط و سراشیبی پیش رفته است. اگرچه خانواده ایرانی بیشتر حرکتی رو به رشد و تعالی داشته، در دهه‌های اخیر متأسفانه شاهد حضور برخی ضدارزش‌ها که عموماً محصول جنگ نرم دشمن می باشد در بخشی از خانواده‌های امروزی می باشیم که متأثر از فرهنگ وارداتی غرب بوده و نظام خانواده را با مشکلات متعددی روبرو نموده است. از این رو، هدف اصلی مقاله حاضر بررسی نقش راهبردی خانواده در تحول حکمرانی متعالی و ارائه ویژگی‌های خانواده پیشرو و کارآمد از منابع اسلامی بر اساس شاخص‌های بینشی، اخلاقی و حقوقی استخراج و معرفی نماید. شاخص‌ها و ویژگی‌ها با روش توصیفی به صورت جزئی و تفضیلی از آیات و روایات مربوط به خانواده استخراج و ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی متعالی، تحول، خانواده، سرمایه معنوی

۱-دانش آموخته دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی دانشگاه عالی دفاع ملی و نویسنده مسئول yaghini 7@ gmail.com تلفن همراه: ۰۹۱۳۳۰۴۸۷۷۲

۲-دانش آموخته دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی دانشگاه عالی دفاع ملی، A_khazaea 1353@yahoo.com، تلفن همراه: ۰۹۱۵۳۶۳۴۳۲۰

۳-دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، mosa.ghaemi@yahoo.com، تلفن همراه: ۰۹۱۲۶۵۹۱۶۹۰

۴-دانشجوی کارشناسی مهندسی صنایع دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد اصفهان yaghini ۷@gmail.com تلفن همراه: ۰۹۳۹۸۷۷۲۴۲۷

مقدمه:

اسلام به عنوان یک مکتب انسان‌ساز، بیشترین عنایت را به تکریم و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت و مهد مودت و رحمت می‌شمرد و سعادت و شقاوت جامعه انسانی و حکمرانی متعالی در سطح اجتماع را منوط به صلاح و فساد این بنا می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان در حوزه فردی و اجتماعی از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمارد. خانواده، نخستین نهاد اجتماعی است که فرد در آن پا به عرصه زندگی می‌گذارد و اولین پایه های تعلیم و تربیت در آن گذارده می‌شود. وجود محبت و عاطفه در خانواده رمز سعادت و خوشبختی انسان است و کلید بسیاری از مشکلات و راه جلب احترام و رعایت حقوق دیگران است. عاطفه، عشق و محبت به فرزندان، میتواند اراده متزلزل و روح آشفته آنان را درمان کند و آنان را به زندگی سعادتمند و موفق امیدوار سازد. لذا برای تربیت و پرورش درست فرزندان، باید محیطی ایجاد کرد که در آن درگیری و اختلافی نباشد. محبت و صداقت، ایمان و عشق به خوبی ها، صمیمیت، وحدت و همبستگی می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات باشد. بسیاری از مریبان تعلیم و تربیت، روانشناسان، جامعه‌شناسان و متخصصین حوزه فرهنگ، منشاء بسیاری از مشکلات رفتاری اجتماعی دانش‌آموزان را ناشی از رفتارهای موجود در خانه و والدین آنان می‌دانند. روابط نادرست عاطفی پدر و مادر، ناسازگاری بین اعضای خانواده، افراط و تفریط در مراقبت، عدم توجه و نظارت بر دوستان و معاشران فرزندان از مسائل مهمی هستند که نقش اساسی در شکست تحصیلی آنان دارد. خسارتهای اقتصادی ناشی از عدم موفقیت در تحصیل و پیامدهای اجتماعی حاصل آن، گرایش به بزهکاری اجتماعی و ارتکاب جرم و جنایت می‌باشد لذا توجه به نهاد خانواده امری بسیار مهم و سرنوشت ساز در جهت تضمین سلامت جامعه است. خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب یا سبب و رضاع با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابل هستند و فرهنگ مشترکی پدید آورده‌اند و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می‌کنند. در یک نگاه ساده متوجه می‌شویم که عناصر اصلی تشکیل دهنده خانواده، یک زن و یک مرد است که مطابق آداب و رسوم اجتماعی خویش با یکدیگر پیوند زناشویی بسته‌اند و بعد فرزند یا فرزندان بر جمع آنها افزوده شده است. خانواده محور توسعه همه جانبه و پایدار اجتماعی و قوام و بقای جوامع وزیر ساخت حکمرانی متعالی است. پس خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است؛ یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد. قوام این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد. بنابراین، جهت تعالی کارایی خانواده لازم است بر تحکیم پیوند و روابط اعضای خانواده تأکید شود و از طرف دیگر تعالی اجتماعی در سایه حکمرانی متعالی بدون تعالی خانواده اجتناب ناپذیر است. لذا

تحکیم روابط در خانواده از جمله مهم‌ترین مسایل در سلامت و رشد فرد، همچنین پویایی و توسعه همه‌جانبه در جامعه و استقرار حکمرانی متعالی است.

مبانی نظری تحقیق

مفهوم شناسی :

حکمرانی متعالی بر محورین نظام خانواده موفق

دغدغه اساسی اندیشمندان اجتماعی و تمرکز تفکرات هر یک از اندیشمندان جهانی، تحقق نوعی حاکمیت مطلوب متناسب با ایدئولوژی‌ها، آرمانها و مشخصات ملی جوامع بوده و در دیدگاهها و اندیشه‌های اندیشمندان ایرانی-اسلامی منظومه فکری امام خمینی به عنوان طراح نظام جمهوری اسلامی و ترسیم کننده اولین گام انقلاب اسلامی در کنار آراء و اندیشه‌های مقام معظم رهبری جایگاه ویژه‌ای داشته که توأم با سیاست‌های ابلاغی و قانون اساسی در این مقاله مورد توجه قرار خواهد گرفت.

در مورد حکمرانی خوب و متعالی، تعاریف مختلفی ارائه شده است که با دقت در آنها می‌توان دریافت که روح کلی حاکم بر همه آنها چندان تفاوتی نمی‌کند، اگرچه به هر حال این تعاریف کم و بیش بایکدیگر اختلافاتی دارند. برخی سازمان‌های جهانی و تحقیقات علمی با اهداف توسعه اقتصادی به حکمرانی نگریسته‌اند. برای مثال بانک جهانی سال ۱۹۹۲، اتحادیه اروپا سال ۲۰۰۲ و برنامه جامع کاهش فقر و استراتژی رشد در ویتنام سال ۲۰۰۲، بر جنبه‌های اقتصادی و مدیریتی حکمرانی از قبیل تخصیص کارآمدی منابع، رفع فقر، رشد اقتصادی، اداره اثربخش امور دولتی، کارایی و ریشه‌کنی فساد تأکید کرده‌اند (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۸۷).

امروزه حکمرانی متعالی در مقیاس وسیعی از سطح محلی تا بین‌المللی به کار برده می‌شود. در این بین سطح محلی دارای اهمیت ویژه‌ای است. "جدیدترین تعریف بانک جهانی از حکمرانی متعالی عبارت است از: اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده و صریح حکومت، تصمیمات اداری و سیاسی شفاف، مسئولیت‌پذیری کارگزاران، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال عملکردهای خود، مشارکت فعال شهروندان و همچنین برابری همه شهروندان در برابر قانون تبلور می‌یابد. (Kaufman & Kraay, 2007: 5)

تعاریف و مفاهیم حکمرانی

برای واژه انگلیسی Governance در زبان فارسی معادل‌های فراوانی مطرح شده است. واژگانی همچون؛ ولایت، حکمرانی، حکمروایی، زمامداری، تدبیر امور، فرمانروایی، راهبری، شهریاری، امارات، و سایر واژه‌ها. برای واژه Governance، مفاهیم و معانی دیگری مستتر است که ممکن است در واژه انگلیسی آن وجود نداشته باشد به این دلیل واژه حکمرانی که از دو بخش "حکم" و "راندن" تشکیل شده، برابر نهاد مناسب

تری می باشد. در واقع "حکم" به معنای فرمان، قاعده، مقررات، نظام، تنظیم، قانون، و امثال آن است و "راندن" به معنای اجرا، اعمال قدرت، پیش بردن، راهبری، اداره، هدایت و امثال آن می باشد. لازم به ذکر است که حکمرانی موضوعی است فرا رشته‌ای و میان رشته‌ای، از شاخه‌های مختلف علمی همچون حقوق، جامعه شناسی، مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، الهیات، روانشناسی و ... بهره می برد. بر اساس آنچه در فرهنگ لغات، متون علمی در مورد اصطلاح حکمرانی آمده است می توان آنرا به صورت زیر تعریف نمود: حکمرانی، فرایند قاعده گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذینفعان در چارچوب ارزشها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور است. بر اساس این تعریف، تنظیم قوانین و فرآیندهایی که بر سبک سیاست گذاری و نحوه نقش آفرینی کنشگران و ذینفعان در فرآیند سیاست گذاری و اعمال قدرت تاثیر می گذارد بخشی از وظایف حکمرانی است. بعلاوه موفقیت حکمرانی معمولاً با مشخصه‌هایی از جمله، دستیابی به ارزشها، رضایتمندی، عدالت گستری، مهار فساد، مشارکت، مسئولیت پذیری، اثربخشی، یکپارچگی سنجیده می شود. چگونگی دستیابی حکمرانان به چنین قدرتی برای اداره امور عمومی روبه قابل قبول حکمرانی در میان کلیه ذینفعان بر می گردد.

انواع مدل‌های حکمرانی

چگونگی میدان دادن به نظام ارزشی ذینفعان در یک رویه حکمرانی باعث می شود که مدل‌های مختلفی از شیوه‌های پیاده سازی حکمرانی در جهان معاصر مطرح باشد از جمله حکمرانی خوب، حکمرانی متعالی، و دیگر شیوه‌های حکمرانی.

الف. حکمرانی خوب

"حکمرانی خوب" مفهومی است که توسط سازمانهای بین المللی در اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات توسعه شده و بر اساس معیارهای خاص، حکمرانی را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت و کنشگران جامعه مدنی (سازمانهای غیردولتی، بخش خصوصی، گروههای ذی نفوذ و رسانه ها) جهت نیل به توسعه در هر کشوری می داند. معیارهای حکمرانی خوب از نظر این سازمانها عبارت است از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخ گویی، وفاق عمومی، حقوق مساوی، اثر بخشی و کارایی و مسئولیت پذیری.

ب. حکمرانی سالم

در انتقاد از حکمرانی خوب، حکمرانی سالم به برداشت آزاد و متنوع از شیوه و معیارهای حکمرانی خوب در کشورهای مختلف تاکید دارد و معتقد است که حکمرانی باید مطابق با آداب، رسوم و فرهنگ محلی هر کشور

تعریف و سازماندهی شود. البته همچنان معیار اصلی در حکمرانی سالم، همانند حکمرانی خوب، رفاه مردم می باشد.

ج. حکمرانی متعالی

به شیوه ای از حکمرانی گفته می شود که مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی و یا حوزه های گسترده تر مطرح می باشد. بر اساس نظریه حکمرانی متعالی، حکومت از آن خداست و تنها اوست که می تواند بر انسان حکم براند به این دلیل حکمرانان تا زمانی دارای مشروعیت می باشند که از تزکیه نفس و مقبولیت برخوردار بوده و تنها مجری احکام الهی باشند. در حکمرانی متعالی، تنظیم روابط، تبعیت و شیوه فعالسازی ظرفیتهای کنشگران و ذینفعان، بر اساس هدایت الهی و اراده مردمی، شکل می گیرد. (m.hokmrani@sndu.ac.ir)

خانواده و حکمرانی متعالی

اهمیت و جایگاه خانواده در نظام اجتماعی و ارتباط متقابل این نهاد با بسیاری از مسائل و دغدغه هایی که محور بحث جامعه شناسان و تحلیل گران اجتماعی است، موجب گردیده است که همواره خانواده، به عنوان یک منبع مهم و عنصر کلیدی در مباحث و پژوهش های حکمرانی متعالی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. سرمایه معنوی موجود در هر اجتماعی نیز به عنوان عاملی که تضمین کننده حیات اجتماعی مردم یک جامعه است، در ارتباط با عملکرد و روابطی که در خانواده حاکم می باشد قرار می گیرد.

مفهوم سرمایه معنوی با محوریت مباحث فرهنگی پاسخ گوی سؤالاتی است که چگونه می توان افراد را هدایت کرد تا در جهت رسیدن به منافع خود، منافع جمعی را در نظر گیرند و یا اینکه منابع در دسترس خود را در اختیار سایر افراد گروه قرار دهند. خانواده، که همواره نقش مهمی در جامعه پذیری و انتقال ارزش های جامعه ایفا می کند می تواند با ابزار، قابلیت ها و روابطی که در آن حاکم است، در جهت حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی عمل کند، مضاف براینکه، جامعه ما در دهه های اخیر فراز و نشیب های زیادی را پشت سر گذاشته است و بسیاری از مؤسسات و سازمان ها در رقابت با خانواده، سعی دارند بسیاری از وظایف و کارکردهای خانواده را برعهده گیرند. ولی با این وجود خانواده هنوز به عنوان مهم ترین عامل جامعه پذیری و عمده ترین نظامی که وظیفه حفظ و انتقال نظام ارزشی را برعهده دارد شناخته می شود. در دیدگاه مهمترین نظریه پردازان سرمایه معنوی همچون بوردیو، کلمن، پاتنام و فوکویاما، یکی از مهمترین منابع تولید کننده سرمایه معنوی، خانواده می باشد.

خانواده به عنوان اولین و عمده ترین عامل هنجارپذیری با تمام مسائل و مشکلات اجتماعی از جمله فرسایش سرمایه معنوی ارتباط دارد، انواع خانواده، همچون خانواده های استبدادی و دموکراتیک، سرمایه انسانی موجود در خانواده و میزان ارتباط والدین با فرزندان، می تواند در تقویت و رشد سرمایه معنوی موثر باشد، همانطور که سهل انگاری خانواده در جامعه پذیری نسل جوان و اطاعت از نظام ارزشی موجب ضعف و کاهش سرمایه معنوی می گردد و همه مسائل گفته شده ارتباط مستقیم در نحوه شکل گیری حکمرانی متعالی و هزینه های تحمیل شده بر آن می باشد. بروز مسائل اجتماعی از جمله طلاق و روند افزایشی آن، نشانی از افت میزان سرمایه معنوی در سطح جامعه است. به عنوان مثال، طلاق در کشور، از ۵۰۹ طلاق در هر میلیون نفر در سال ۱۳۷۱ به ۶۳۰ نفر در سال ۱۳۷۵ و سرانجام به ۹۳۸ طلاق در سال ۱۳۸۰ رسیده است (علاقبند، ۱۳۸۴) در حالی که به اعتراف کارشناسان و صاحب نظران حوزه های مختلف برنامه ریزی، سرمایه معنوی و ضعف آن مهمترین دغدغه و مشکل اساسی در جهت دستیابی به اهداف طراحی در حکمرانی متعالی جامعه است. نتایج پیمایش وزارت ارشاد در سال ۱۳۸۰ نشان می دهد که میزان آگاهی مردم و چگونگی دستیابی آن ها به حقوق مدنی شان بسیار ضعیف است؛ همچنین نتیجه این پیمایش از ضعف نگرش مثبت شهروندان با یکدیگر حکایت دارد که از ارکان اصلی سرمایه معنوی محسوب می شود؛ چنانچه از نظر مردم، میزان صداقت، امانت داری، تلاش و وفاداری در بین شهروندان در سطح بسیار نازلی قرار دارد (به نقل از ملا حسنی، ۱۳۸۱) سرمایه معنوی ثروتی است که در جوامع انسانی وجود دارد اما حفظ و تولید آن نیاز به تحقق شرایطی دارد که یکی از مهم ترین شرایطی که در این فرآیند ما را یاری میرساند، خانواده می باشد. خانواده به عنوان مهمترین عامل جامعه پذیری می تواند، هنجارهای اعتماد، عمل جمعی، منافع جمعی، کشش های متقابل و ... را در افراد درونی ساخته، و در ابعاد ساختاری و ابعاد شناختی به حفظ و تقویت سرمایه معنوی در راستای اسحکام حکمرانی متعالی یاری رساند.

یکی از نتایج به دست آمده در «طرح ملی پیمایشی ها ارزش و نگرش های اجتماعی مردم ایران» نشان میدهد که مردم به خانواده خود اعتماد بسیاری دارند و تنها ۸/۱٪ درصد افراد به خانواده خود اعتماد نداشتند. این نشان می دهد روابط اجتماعی درون گروهی در حد بالایی در ایران وجود دارد و ۴۹٪ به اقوام و خویشان و ۴۴٪ به دوستان خود اعتماد دارند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰). بر طبق یافته های علمی، فرسایش شدیدی در سرمایه معنوی موجود برای جوانان، هم در درون خانواده و هم در بیرون از آن روی داده است. در خانواده رشد سرمایه انسانی بسیار زیاد شده ولی سرمایه معنوی که شاخص برجسته آن حضور بزرگسالان در خانه و میزان گفت و گو در مورد موضوعات اجتماعی، علمی، فرهنگی،

اقتصادی و سیاسی بین والدین و فرزندان است، کاهش یافته است. در جامعه، میزان فرسایش سرمایه معنوی بیشتر بوده است. غیبت پدر در خانواده و محیط همسایگی در طول روز و اخیراً غیبت مادر از خانواده بعثت مسائل معیشتی و ورود به بازار کار موجب کاهش مشارکت والدین در سازمان های محلی نظیر انجمن اولیاء و مربیان و... بوده است (شارع پور، ۱۳۸۰).

جیمز کلن (۱۹۸۷) رابطه بین انواع متفاوت خانواده را از نظر انتظارات متفاوت والدین، حضور والدین و تعداد فرزندان را با احتمال ترک تحصیل مورد مطالعه قرار داده است. وی به این نتیجه می رسد: فقدان سرمایه معنوی در خانواده مانع از آن می شود که کودکان بتوانند از سرمایه انسانی والدین خود استفاده کنند و همچنین موجب افزایش نرخ ترک تحصیل در میان فرزندان آن ها می شود. تعداد خواهر و برادرهای خانواده موجب می شود فرزندان از توجه کمتری از ناحیه پدر و مادر خود برخوردار شوند و این به نوبه خود دستاوردهای تحصیلی ضعیف تری را به دنبال دارد. کلن با بررسی خود به این نتیجه می رسد که سرمایه معنوی در خانواده، منبعی برای تحصیل فرزندان خانواده است؛ همان طور که سرمایه های مالی و انسانی چنین هستند. (کلن: ۱۳۸۴، ۷۷). براین اساس، در پژوهش حاضر به بررسی نقش خانواده بر سرمایه معنوی و تاثیر آن در حکمرانی متعالی خواهیم پرداخت، تا دریابیم چگونه خانواده می تواند در تقویت و فرسایش سرمایه معنوی تاثیر گذار باشد و موجب تعالی یا تضعیف حکمرانی متعالی گردد.

شاخص شناسی

شاخص معیاری است برای ارزیابی، ارزشیابی سنجش و اندازه گیری متغیرهای اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی وسیله ای است برای تعیین کیفیت. شاخص به معنای ویژگی هایی کلی است که ویژگی های خردتری را در درون خود جای می دهد و برجستگی و اهمیت بیشتری دارد. شاخص نامیدن ویژگی های کلی تر و تفسیر، تبیین و طبقه بندی این ویژگیها با این عنوان، سبب درک آسانتر ویژگی های خردتر و زیرمقوله ها می شود. (گولد و کولب، ۷۹۹۱)

سرمایه معنوی

سرمایه معنوی را می توان نوعی ارزش چند سطحی قلمداد کرد که در سطح فردی، به صورت علاقه به خدمت، و در سطح سازمانی و اجتماعی، در قالب هنجارها و فرهنگ ظاهر میشود. سرمایه معنوی عبارت است از تأثیری که اعمال دینی و معنوی، اعتقادات، شبکه ها و نهادها بر روی افراد، گروه ها و جامعه دارند (مؤسسه متانکسوس،

2006، ۱) این تعریف مستلزم شناخت، هماهنگی و ترکیب مفاهیم سرمایه های موجود در سازمان دارد و به همراه آنها، موجب ارزش آفرینی در سطوح فردی، سازمانی و یا اجتماعی می شود. سرمایه معنوی عامل حرکت و تولید انرژی در سازمان و اجتماع بوده و باعث می گردد که آنها از قابلیت هایی برخوردار شوند که به تعالی و توسعه پایدارشان بیانجامد.

خانواده کارآمد

کارآمدی عبارتست از اینکه تا چه اندازه الگوهای خانواده در کسب هدف های آن موثر و سودمند واقع شده اند. خانواده کارآمد، خانواده ای است که با پابندی اعضای آن به باورهای دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینه کشف و پرورش قابلیت ها و توانایی های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم می کند. قضاوت در مورد الگوهای کارآمدی خانواده بستگی به درک بهنجاری سلامت و همینطور ملاحظات اجتماعی-فرهنگی دارد.

اهمیت تحکیم خانواده

اهمیت پرداختن به موضوع «تحکیم خانواده»، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محور تعالی هر جامعه ایست تا آنجا که سعادت و شقاوت امت ها، مرهون رشادت و ضلالت خانواده می باشد. اوکین شرط داشتن جامعه ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. همه دستاوردهای علمی و هنری بشر در سایه خانواده های سالم و امن پدید آمده است. قرآن کریم به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، بخشی عظیم از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. رجوع به این آیات الهی می تواند انسان را برای دستیابی به بهترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند. برخی از سوره قرآن به صورت خاص مسایل خانواده را بیان می کنند؛ مانند سوره های نساء، انسان، تحریم، طلاق و اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می کند که پایه گذاران آن یعنی زن و شوهر، در تحکیم و پایداری این بنا، نهایت سعی خود را بکنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود و سنگ بنای تعالی اجتماعی را دنبال نمایند.

خانواده بنیادی ترین نهاد در جامعه انسانی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان ها را بر عهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده را تحکیم بخشند و افرادی باایمان در آن پرورش دهند، نمی توانند جامعه ای ایده آل

برای نسل آینده بسازند و از فرهنگ ایمانی خود جا مانده و به اهداف متعالی خود نمی‌رسند. مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضاست. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن، «سکونت و آرامش اعضا» است، لازم است که همه رفتارها و تعامل‌ها در راستای تحقق این هدف باشد.

ادامه زندگی بدون عشق محال نیست، اما دشوار است. پیامبر(ص) فرموده است: «هیچ چیز در نزد خدا محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که در اسلام با ازدواج آباد شود» (مشکینی، ۱۳۷۰: ۱۱). قرآن کریم در باب قانون ازدواج می‌فرماید: «یکی از نشانه‌های خدا این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به واسطه آنها آرامش بیابید و میان شما بذر رأفت و محبت افشاند تا مایه بقای زندگی نوع باشد. نشانه‌های خدایی در این امر بر اندیشمندان آشکار است» (الرّوم/۲۱).

یکی از دلایل تفاوت های قوانین اسلامی و غیراسلامی در باب ازدواج این است که اساس قوانین اسلامی مصالح و مفاسد واقعی بشر است و واضع آن قوانین خداوند متعال است. لذا دستخوش تحولات و تطورات امور مختلف قرار نمی‌گیرد، در حالی که قوانین و حقوق سکولاریستی در غرب متکی بر اومانیزم و انسان‌محوری است و با تعریف خاص از انسان و جهان پیوند خورده است و تنها جنبه مادی و این‌جهانی را در نظر دارند و نه سعادت همه‌جانبه انسان را (مطهری، ۱۳۳۶، ج ۹: ۱۲۲-۱۰۲ و جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۳۹۹-۳۹۳).

اسلام با تشویق به تشکیل خانواده که بهترین وسیله برای حفظ عفت عمومی است، به ندای فطرت پاسخ مثبت می‌دهد و زناشویی را یگانه وسیله پیدایش فرزندان درستکار و حفظ بقای نوع شناخته است و نه تنها مشکلی در سر راه این امر طبیعی ایجاد نمی‌کند، بلکه از این نیروی طبیعی به سود اجتماع و برای زندگی فردی بهره‌برداری می‌نماید و علاوه بر اینکه به آرامش جسمی در زندگی زناشویی توجه دارد، می‌خواهد یکی از پایه‌های سعادت آدمی که آرامش روحی، اخلاقی و فکری است نیز در سایه پیوند ازدواج تأمین سازد. اینکه پیوندهای زناشویی در عصر ما آنقدر سست و بی‌دوام گردیده که در برابر حوادث بی‌ارزش و کوچک به آسانی از هم می‌گسلد، بدین علت است که در اینگونه ازدواج‌ها به واقعیت‌های زندگی توجه نمی‌شود، و این پیوندها به دنبال یک سلسله رؤیاها و افکار کودکان و تصورات خام بسته می‌شود. اسلام همه مسلمانان را تشویق می‌کند که به تشکیل خانواده دست یازند. از سوی دیگر، درباره یکی از موانع ازدواج، یعنی فقر مادی و اقتصادی می‌فرماید که فقر نباید مانع ازدواج گردد. خداوند به زن و مرد فقیر مژده می‌دهد که اگر پیش‌قدم شوند، آنان را از فضل خویش بی‌نیاز می‌سازد. خداوند در قرآن می‌فرماید: وَأَنْكِحُوا لِلْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ * وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمْ

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَوْ تَكَرَّهُوا فَتَيَّاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةُ لِلدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْنَنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ: مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را. اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد که خداوند گشایش دهنده و آگاه است. نیز کسانی که امکان ازدواج ندارند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند! همچنین آن بردگانتان که خواستار مکاتبه [قرار داد مخصوص برای آزاد شدن] هستند، با آنان قرار داد ببندید. اگر رشد و صلاح در آنان احساس می کنید (که بعد از آزادی، توانایی زندگی مستقل را دارند)، و چیزی از مال خدا را که به شما داده است، به آنان بدهید و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خودفروشی نکنید، در صورتی که خود می خواهید پاک بمانند، و هر کس آنها را (بر این کار) اجبار کند، (سپس پشیمان گردد)، خداوند بعد از این اجبار آنها غفور و رحیم است (النور/ ۳۳-۳۲).

شاخص های کارآمدی خانواده

در طبقه بندی کلی، مجموعه آموزه ها و معارف معتبر اسلامی به سه بخش تقسیم میشود؛ بخش اول بینش ها و نگرش های کلی نسبت به جهان، انسان و هستی را تشکیل می دهد، بخش دوم شامل ویژگی ها، صفت ها و خصلتهایی است که هر مسلمان در راه دستیابی به کمال، باید خویشان را به آنها بیاراید و از اضداد آنها دوری گزیند. راستگویی، صبر، حسن نظر، مدارا با دیگران، احترام متقابل، محبت از شاخص های اخلاقی اسلام است. سومین دسته از آموزه های اسلامی، احکام حقوقی است. احکام حقوقی، دستورالعمل هایی است که به فعالیتهای خارجی و عینی انسان، اعم از فعالیتهای مادی، معنوی، دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی مربوط است. (مطهری ۱۳۸۲) در ادامه، مهمترین شاخص های بینشی، اخلاقی و حقوقی خانواده کارآمد از منابع معتبر دینی استخراج و معرفی خواهد شد.

۱. شاخص بینشی

زیربنای جهت گیری های انسان در زندگی، باورهای او است. بنابراین، عقیده بالاترین نقش را در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. از این رو است که اسلام بیش از هر چیز به اصلاح شناخت و بینش های انسان اهمیت می دهد و برترین افراد را از نظر ایمان، کسانی می داند که شناخت آنان بر دیگران برتری دارد: «افضلکم ایمناً افضلکم معرفه» (محمدری شهری، ۱۳۷۹) در بحث از شاخص بینشی، به مهمترین باورهای دینی اشاره می شود که بر روابط و رفتارهای اعضای خانواده تأثیر می گذارد و آن را به خانواده های کارآمد تبدیل می کند. نبود چنین باورهایی نیز سبب ناکارآمدی خانواده و شکل گیری روابط نامناسب خواهد شد. از مولفه های شاخص بینشی می توان به ایمان به خدا، اعتقاد به رسالت و امامت و معاد باوری نام برد.

اساسی ترین باور دینی که موجب کارآمدی خانواده خواهد شد، ایمان به خدا و یکتاپرستی است. ایمان، پذیرش ویژه نفس نسبت به چیزی است که آن را قبول کرده؛ پذیرشی که سبب تسلیم نفس در برابر ادراک و آثاری شود که اقتضا دارد. نشانه تسلیم و قبول، آن است که سایر قوا و جوارح آدمی نیز آن را پذیرفته، مانند خود نفس در برابرش تسلیم می شوند. اگر این تسلیم نسبت به خدا باشد، آن را «ایمان به خدا» می گویند. ایمان به خدا که همان باور قلبی و انجام اعمال صالح است، صفات دیگری را نیز در روح مؤمن به وجود می آورد و همین صفات، تعیین کننده رفتارهای انسان در زندگی فردی، اجتماعی، مادی و معنوی شده و موجب آرامش و امنیت انسان خواهد شد. ایمان به خدا در خانواده موجب خوش بینی، امیدواری، لذت معنوی، توکل و پذیرش مقدرات الهی خواهد شد و همه این مولفه ها کارآمدی خانواده و فراهم شدن بستر حکمرانی متعالی را فراهم خواهد کرد. در سوره طه، آیه ۱۲۴ می فرماید: «و من اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا؛ هر کس از توجه و یاد من روبرگرداند، زندگی سخت و پر از فشاری خواهد داشت». بر اساس این آیه شریفه، زندگی خانوادگی برای اعضای مؤمن آن، لذت بخش خواهد بود و شرایط سخت برای آنان قابل تحمل خواهد بود. فرزندان این خانواده نیز آموزش کافی را برای رویارویی با عوامل پدیدآورنده ناکارآمدی می آموزند. (صفورایی، ۱۳۸۲)

دومین رکن دینداری، باور به رسالت، نبوت و امامت است که در تاریخ اسلام و دیگر ادیان الهی «انبیای الهی» شناخته شده اند. در فرهنگ شیعی، وصایت و جانشینی نبی مکرم اسلام و خاتم پیامبران، حضرت محمد مصطفی (ص) و در راستای تکمیل رسالت با عنوان «امامت» شناخته می شود و این جانشینی بر عهده چهارده امام پاک و معصوم گذاشته شده است. نقش اعتقاد و باور به اصل نبوت و امامت در زندگی انسان به آموزش امور دینی و الگوگیری از معصومین کرام برمی گردد.

انسان برای سنجش کارآمدی خانواده خود، به دو دلیل نیازمند الگوی کارآمد است؛ یکی اینکه می خواهد با الگوگیری برای تشکیل خانوادهای کارآمد تلاش کند و از سوی دیگر، با مقایسه خانواده خود با خانواده های کارآمد می خواهد اطمینان یابد که در مسیر دستیابی به کارآمدی حرکت می کند.

اعتقاد به زندگی پس از مرگ در دو بعد فردی و اجتماعی قابل بررسی است. آثار فردی، در زندگی خصوصی و شخصی هر فردی متجلی می شود، ولی آثار اجتماعی آثاری است که لازمه ظهور آن، گرد آمدن افراد در کنار یکدیگر می باشد و تا افراد نباشند، آن آثار بروز نخواهند کرد. کانون خانواده، اجتماع کوچکی است که از گرد هم آمدن اعضای خانواده تشکیل شده است. هر چند اعتقاد به معاد بر همه ابعاد زندگی انسانها تأثیرگذار است، در این بحث بیشتر بر جنبه های خانوادگی تأکید میشود. باور به معاد در جنبه های مختلف زندگی خانوادگی مانند معنا یافتن زندگی، احساس مسئولیت و کنترل کننده و بازدارنده تأثیرگذار است.

۲. شاخص اخلاقی

پس از مسایل اعتقادی و بینشی، دومین بخش آموزه های اسلامی، آموزه های اخلاقی و ارزشهای انسانی است. خانواده نخستین محیط آموزش و پرورش کودک است. فضایل اخلاقی در این محیط رشد می کند و سنگ بنای اخلاق انسان در خانواده نهاده می شود. کودک بسیاری از صفات و رفتارهای اخلاقی را از پدر، مادر، خواهر، برادر و کسانی که با آنها در خانواده زندگی می کند، می آموزد. صداقت، امانت داری، احترام متقابل، سپاسگزاری، مهربانی، محبت، سخاوت، شجاعت، عفت ورزی و بسیاری از این رفتارها توسط اعضای خانواده به یکدیگر منتقل میشود. خانواده نخستین در سهای فضیلت را به فرزندان خود می آموزد و بزرگترها به سبب هم نشینی طولانی و پیوسته، بر شکل گیری صفات اخلاقی تأثیر می گذارند. پس باید محیط خانواده به فضایل اخلاقی آراسته شود تا بتواند کارآمدی خود را اثبات کرده و زمینه رشد و بالندگی اعضا را فراهم سازد. از مولفه های شاخص اخلاقی می توان از محبت در خانواده، تکریم و احترام، دلسوزی و مهربانی، صبر و شکیبایی، صداقت و راستگویی و مثبت اندیشی نام برد. بر اساس آموزه های قرآنی و روایی، همه فضیلت های انسانی از صداقت و راستی سرچشمه میگیرد (مجلسی، ۱۹۸۳، ۶۸) در تحلیل روانشناختی، صداقت به گفتار و رفتاری گفته می شود که فرد انگیزه و قصدی مغایر با مفاد گفتار و رفتارش نداشته باشد؛ یعنی فرد با صراحت و وضوح صحبت میکند. هنگامی که فرد در ارتباط کلامی یا بدنی صداقت نداشته باشد، ارتباطی متعارض یا دوسطیحی برقرار می شود، به گونه ای که مفاد سخن شخص، چیزی است و بقیه وجود او چیزی دیگر را بیان می کند و یا انگیزه و قصد او از رفتار و گفتارش امر دیگری است (سالاری فر، ۱۳۸۵)

رفتار محبت آمیز، روح و روان انسان را از پلیدی، پاک و تطهیر و سلامت آن را تأمین می نماید. او در پرتو این طهارت و سلامت، همت خویش را برای رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی به کار می بندد و در مقابله با آسیب های روانی و اخلاقی چون دژ محکم و استوار می ایستد و اجازه ورود بیگانه را به زمینه جاننش نمی دهد. امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده است: من أكرم أخاه المؤمن بكلمة يلفه بها و فرج عنه كربته لم يزل في ظل الله الممدود عليه من الرحمة ما كان في ذلك. (حر عاملی، ۱۹۹۱، ۱۱/ ۵۹۱) کسی که مؤمنان را با کلمات محبت آمیز خویش احترام نماید و اندوه آنها را بزدايد، تا زمانی که این حالت و احساس در او باقی است، پیوسته در سایه رحمت خدا خواهد بود.

۳. شاخص حقوقی

یکی از راههای پیشگیری از سرد شدن روابط و فروپاشی خانواده و روابط خانوادگی و نیز افزایش کارآمدی خانواده، آشنایی با حقوق، وظایف و شفاف بودن حدود و انتظارات الزامی و غیر الزامی همسران است؛ زیرا

بسیاری از ناسازگاری هایی که کارآمدی خانواده را به خطر م یاندازد و استحکام آن را سست می کند ، ریشه در رعایت نکردن حقوق و قدر ناشناسی آنان نسبت به دیگری است. اگر اعضای خانواده با حقوق و وظایف خود آشنا باشند، بازخوردهای مطلوب تری خواهند داشت (وماس زنانیکی ' نقل از باقریان ، ۱۳۷۹) در زمینه شاخص حقوقی، شناخت ما از حقوق است که بازخورد ما نسبت به اعضای خانواده و حوادث درون آن را شکل می دهد . در مکتب غنی اسلام، حقوق متقابل انسانها و به ویژه حقوق متقابل اعضای خانواده بسیار مورد توجه قرار گرفته است و برای تمامی اعضا ی خانواده قوانین لازم وضع شده است. درباره ادای حق مؤمنان در متون دینی آمده است که خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است (مجلسی ، ۱۹۸۳م ، ۳۴۲/۱۷)؛ یعنی رعایت حقوق دیگران نه فقط عامل استحکام و کارآمدی خانواده است، بلکه عبادت است و خداوند در مقابل انجام وظایف و رعایت حقوق به انسانها پاداش می دهد. از اموری که با خوشبینی رابطه مستقیم دارد، بروز برداشت نادرست از رفتار و گفتار دیگری است. برداشت نادرست سبب تخریب روابط مطلوب اعضای خانواده و بروز تشنج و ناراحتی می شود. یکی از عوامل اصلی بروز اختلاف های زناشویی، سوء تفاهم است و بهترین راه مقابله با آن، خوشبینی است. صفت اخلاقی خوشبینی علاوه بر اینکه سبب کارآمدی خانواده می شود، به طور مستقیم در کارآمدی و بروز خوشبینی در جامعه نیز اثر می گذارد؛ زیرا هر سبک تبیینی که در تبیین پدیده ها توسط والدین به کار برده شود، کودکان آن را می آموزند و به خاطر می سپارند و در آینده در برخورد با افراد جامعه، از آن استفاده می کنند . در ادامه، حقوق اعضای خانواده را در چهار دسته حقوق زن، حقوق شوهر، حقوق فرزندان و حقوق والدین ارائه می گردد.

الف. حقوق زن

بر اساس منابع دینی، برای زن حقوقی وضع شده که لازم است شوهر آنها را رعایت کند تا خانواده در مسیر رسیدن به کارآمدی حرکت کند. حقوق زن در بررسی های این مقاله شامل تهیه هزینه ها و لوازم زندگی ، تأمین نیاز جنسی، گشایش در زندگی، آراسته و پاکیزه بودن و معاشرت نیکو. تأمین مخارج زن بر مرد واجب است و مقدار آن بر اساس نیاز و شأن زن تعیین می گردد. در قانون مدنی جمهوری اسلامی نیز آمده است: نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی. بنابراین، نفقه واجب که از حقوق زن شمرده می شود و مرد باید آنها را به صورت الزامی تهیه کند، عبارت اند از: فراهم نمودن مسکن مناسب، تهیه غذا و خوردن یهای مورد نیاز، تهیه پوشاک مورد نیاز و متناسب با شأن زن، تأمین هزینه های درمانی و تهیه وسایل زندگی مناسب و متناسب با شأن زن. (امام خمینی

۱۳۷۹، ۹۹۲) یکی از انگیزه های اصلی تشکیل خانواده، تأمین نیاز جنسی همسران است. احساس جنسی، بخشهای مهمی از وجود انسان است. برای حفظ و استمرار سلامت و آرامش روانی و کارآمدی کانون خانواده، تصدیق صریح و درک احساس جنسی همسر، لازم است. در پژوهشی که راد فورد عنوان می کند (۱۹۸۳) در زمینه رضایت همسران از زندگی بر روی ۳۵۱ زوج انجام داده بود، یکی از عوامل مؤثر در تداوم زندگی مشترک، رضایت از روابط جنسی بوده است. به دلیل اینکه نیاز جنسی مطابق طبیعت انسان است، شرع مقدس اسلام برآورده کردن نیاز جنسی زن را از حقوق وی و از تکالیف مرد شمرده است. مرد وظیفه دارد برای ایجاد شرایط زندگی رضایت بخش و تأمین هزینه های مطلوب و معقول زندگی تلاش کند و از برآوردن نیازمندی های اعضای خانواده استقبال کند. در متون دینی محبوب ترین مردان در نزد خداوند متعال آنان اند که به خانواده خود بیشتر نیکی نموده، زندگی آنان را توسعه دهند. اعضای خانواده ای که برای رشد و کمال خود از امکانات لازم برخوردار باشند، با آسایش و آرامش بیشتر در جهت رشد خود حرکت می کنند و اگر با محدودیت های ایجاد شده از طرف همسر و یا پدر مواجه شوند، آرامش آنها به هم می ریزد و این دیدگاه بر کارآمدی خانواده تأثیر منفی می گذارد. پاداش شهادت در راه خدا از بالاترین پاداشها در فرهنگ و متون دینی است و تلاش برای گشایش در امور خانواده چنان در متون دینی با ارزش توصیف شده که پاداش آن کس که برای خانواده خود تلاش می کند، همانند پاداش شهید و مجاهد فی سبیل الله شمرده شده است (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ۲۱). آراستگی مرد، رضایت از زندگی را در زن ایجاد می کند، بر عفت و پاکدامنی او می افزاید و او را از چشم داشتن به دیگر مردان حفظ می کند. حفظ عفت و پاکدامنی، یکی از عوامل استحکام و کارآمدی خانواده است. از خانوادهای که عفت و پاکدامنی در آن وجود ندارد، نباید انتظار داشت که زن و مرد نسبت به یکدیگر وفادار باشند. وفاداری همسران به یکدیگر عامل انسجام، اتحاد و همبستگی زن و شوهر می شود و دلبستگی آنان به یکدیگر و کارآمدی خانواده را تأمین می کند. عفت و پاکدامنی یکی از مهم ترین عوامل تربیت درست فرزندان و به دنبال آن، اصلاح جامعه است و زمینه برای حکمرانی متعالی می باشد. کانون خانواده بهترین محیط برای آموزش عفت به فرزندان است. فرزندان با الگوگیری از والدین خود انسا نهایی پاکدامن تربیت خواهند شد. تکریم و بزرگداشت همسر و دوری از اهانت و تحقیر، وظیفه انسانی در خانواده است.

ب. حقوق شوهر

بخش زیادی از عوامل استحکام پایه های زندگی و کارآمدی خانواده در گرو رعایت حق شوهر از سوی زن است. اگر زن، حقوق شوهر خود را رعایت کند، مرد نیز انگیزه لازم و کافی را برای انجام وظایف و رعایت

حقوق همسر خود دارد. این رعایت متقابل حقوق، زمینه ساز بروز رفتارهای بهنجار و در نتیجه تحقق کارآمدی خانواده است. این نیازها شامل ارضای نیازهای جنسی و عاطفی، حق نظارت بررفت و آمدها و حق انتخاب محل سکونت.

ج. حقوق فرزندان

فرزند، شیرین ترین ثمره ازدواج و هدیه الهی است. حضور فرزند در زندگی زناشویی نه فقط عشق و علاقه، پابندی و حس مسئولیت در زندگی مشترک و امیدواری به آینده را در همسران افزایش می دهد، بلکه آنان «خود مشترک» را در آینه وجود فرزند به تماشا می نشینند. از حقوق فرزندان می توان از داشتن نام نیکو، حق تغذیه با شیر مادر، حق اجتماعی شدن، حق ازدواج نام برد. نام نیکو بهترین هدیه ای است که هر فرزندی در زندگی از والدین خود دریافت می کند؛ نامی که همیشه با اوست و همواره در شخصیت فردی و اجتماعی اش مؤثر است. از طرفی بر اساس اوامر الهی و قوانین طبیعت، کودک باید از شیر مادر تغذیه کند؛ چون بهترین شیر برای شیرخواران در درجه اول، شیر مادر است. یکی از ابعاد وجودی انسان، اجتماعی بودن اوست که در مقام تربیت باید بدان توجه شود. به همین دلیل یکی از وظایف والدین و مربیان در تربیت فرزندان و نسل آینده، توجه به رشد اجتماعی آنان است تا استعدادها و توانایی های فرزندان در عرصه حیات اجتماعی شکوفا شود و بتوانند به صورت فعال و موفق در زندگی جمعی حضور یابند. به تعبیر دیگر اجتماعی تربیت شدن یکی از حقوق فرزندان است. تجربه بشری در زندگی اجتماعی نشان میدهد که سلامت و ثبات نظام اجتماعی، پایه های تربیت را در درون افراد بنیان نهاده و آنان را به رعایت اصولی سفارش کرده است که در صورت تحقق آنها در وجود افراد، نظام اجتماعی از ثمرات مفید آن یعنی تعادل، روابط پایدار، محبت متقابل، پایش و مراقبت اجتماعی رهنمون میشود. حق ازدواج از جمله حقوق مسلم فرزندان بر والدین، و به ویژه بر پدر است. شاید فرزندان به دلیل کم تجربه‌گی، تنگدستی، آرزوهای طولانی و رؤیایی، دچار انحراف یا تردید و تعلل در ازدواج شوند. این بر عهده والدین است که آنها را در انتخاب مناسب یاری رسانند و مقدمات این امر مقدس را برای آنان فراهم آورند.

د. حقوق والدین

در منابع اسلامی نسبت به رعایت حقوق والدین به نکات متعدد و مختلفی اشاره شده است. همه این نمودها را می توان در عنوان کلی «احسان» جای داد. خداوند متعال در آیات متعدد به احسان به والدین اشاره فرموده و

آن را پس از دستور به خداپرستی قرار داده است؛ یعنی احترام و احسان به پدر و مادر در دومین مرحله از مراحل اساسی دعوت قرآن قرار گرفته است. (بقره: ۸۳؛ نساء: ۲۲ و اسرا: ۳۲).

روش‌شناسی تحقیق:

تحقیق توصیفی یکی از اساسی‌ترین شکل‌های تحقیق کیفی است. این نوع تحقیقات، پدیده‌های موجود در دنیای ما را توصیف می‌کنند. این توصیفات می‌توانند درباره اطلاعات پایه‌ای، فعالیت‌ها، رفتارها و تغییرات بنیادین پدیده‌ها باشند، اما همیشه توصیف پدیده‌ها از نگاه محقق انجام می‌شود؛ و درباره چگونگی عملکرد پدیده چیزی را بیان نمی‌کند. مطالعات تحقیق توصیفی برای عموم افراد و مربیان حائز اهمیت است. تحقیق توصیفی به پاسخ‌گویی سوالات اساسی می‌پردازد. به طور کلی سوالات در تحقیق توصیفی درباره چه کسی، چه چیزی، چه زمانی، کجا، چگونه یا کدام، پرسش‌هایی را مطرح خواهد کرد. تورستون، گیلفورد و دیگران، برای نشان دادن اهمیت چگونگی مفهوم‌سازی یک پدیده در تحقیق توصیفی، مفهوم متفاوتی از هوش را به جای مفهوم رایج آن نوع خاصی از توانایی‌های بشر مطرح کردند. تورستون، با استفاده از یک مدل ریاضی تحلیل عاملی تا حدی متفاوت از کار محققان قبلی که روی هوش معمولی تاکید داشتند (Gould, 1999)، چندین بعد متفاوت از هوش را شناسایی کرد و به جای هوش معمولی، آن را «توانایی‌های ذهنی اولیه» نام گذاری کرد. بعدها، گیلفورد مدل پیچیده‌ای از «ساختار هوش» را ایجاد و تشریح کرد که در ابتدا به طور نظری از ۱۲۰ عامل مجزا تشکیل شده بود و بعداً تعداد آن به ۱۵۰ عامل افزایش داده شد. (Guilford, 1977) تحقیق توصیفی، جامعه، شرایط و پدیده‌ها را به طور صحیح و سیستماتیک توصیف می‌کند. پاره‌ای اوقات، محقق می‌خواهد که نگاه عمیق‌تری به یک فرد، موقعیت، یا سلسله‌ای از حوادث معین داشته باشد. به جای پرسیدن سوالاتی از قبیل «مردم در این باره چه فکر می‌کنند؟» یا «اگر من این کار را بکنم، چه اتفاقی خواهد افتاد؟»، محقق می‌پرسد: «این افراد چگونه عمل می‌کنند؟» یا «چگونه حوادث اتفاق می‌افتند» یا «چگونه مردم به تصویر کشیده می‌شوند» توصیف می‌شوند. از آنجاییکه در این مقاله هدف اصلی بررسی نقش راهبردی خانواده در تحول حکمرانی متعالی و ارائه ویژگی‌های خانواده پیشرو و کارآمد از منابع اسلامی بر اساس شاخص‌های بینشی، اخلاقی و حقوقی استخراج و معرفی نماید. شاخص‌ها و ویژگی‌ها در این مقاله با روش توصیفی به صورت جزئی و تفصیلی از آیات و روایات مربوط به خانواده و منابع اسلامی استخراج و ارائه شده است.

نتیجه گیری

همانگونه که گفته شد حکمرانی متعالی رابطه عمیق و مستقیمی با کارآمدی خانواده در جوامع دارد. عوامل فراوانی در کارآمدی، تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند که در این مقاله به مهم‌ترین آنها پرداخته شده است. نتایج حاصل از بررسی منابع اسلامی، سه شاخص عمده بینشی، اخلاقی و حقوقی را برای کارآمدی خانواده مشخص می‌کند. خانواده، بخشی از فرایند زندگی انسان است و برای اینکه دارای کارکردهای مطلوب باشد و اعضای آن به کمال برسند، باید ویژگی‌های مربوط به این شاخص‌ها را دارا باشد، در غیر این صورت کارآمدی خود را از دست خواهد داد. اگر بینش‌های انسان در خانواده، صحیح و مطابق با خواسته‌های پروردگار باشد، زندگی او در مسیر کارآمدی قرار خواهد گرفت و اگر بینش‌های نادرست، جهت‌دهنده زندگی فرد باشد، زندگی را به انحراف کشانده، آن را ناکارآمد می‌سازد. خانواده نخستین محیط تعلیم و تربیت کودک است؛ فضایل اخلاقی در این محیط رشد می‌کند و سنگ بنای اخلاق انسان در خانواده نهاده می‌شود. خانواده نخستین در سهای فضیلت را به فرزندان خود می‌آموزد و بزرگ‌ترها نیز به سبب هم‌نشینی طولانی و پیوسته، بر شکل‌گیری صفات اخلاقی آنان تأثیر می‌گذارند. پس باید محیط خانواده به فضایل اخلاقی آراسته شود تا بتواند کارآمدی خود را اثبات کرده و زمینه رشد و بالندگی اعضای خود را فراهم سازد. یکی از راههای پیشگیری از سردی روابط و فروپاشی روابط خانوادگی و نیز افزایش کارآمدی خانواده، آشنایی با حقوق، وظایف و انتظارات الزامی و غیرالزامی هریک از همسران است. بسیاری از ناسازگاری‌هایی که کارآمدی خانواده را به خطر می‌اندازد و استحکام آن را سست می‌کند، ریشه در رعایت نکردن حقوق یکدیگر است. در پایان باید گفت با بررسی سیر تحول خانواده ایرانی در گذر تاریخ، خانواده ایرانی همواره مسیر تحول را طی نموده که این تحول اکثراً به سوی رشد و کمال و زمانی نیز به سمت انحطاط و سراشیبی پیش رفته است. اگرچه خانواده ایرانی بیشتر حرکتی رو به رشد و تعالی داشته، در دهه‌های اخیر متأسفانه شاهد حضور برخی ضدا ارزش‌ها که عموماً محصول جنگ نرم دشمن می‌باشد در بخشی از خانواده‌های امروزی می‌باشیم که متأثر از فرهنگ وارداتی غرب بوده و نظام خانواده را با مشکلات متعددی روبرو نموده است. لذا در این مقاله سعی شد نقش راهبردی خانواده در تحول حکمرانی متعالی و ارائه ویژگی‌های خانواده پیشرو و کارآمد از منابع اسلامی بر اساس شاخص‌های بینشی، اخلاقی و حقوقی استخراج و معرفی نماید. شاخص‌ها و ویژگی‌ها با روش توصیفی به صورت جزئی و تفصیلی از آیات و روایات مربوط به خانواده استخراج و ارائه شده است.

منابع:

- [۱]. قرآن کریم، (۱۳۷۸) ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: انتشارات دارالقرآن الکریم.
 - [۲]. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹) تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 - [۳]. جاسبی، جواد و نفری، ندا (۱۳۸۸) طراحی الگوی حکمرانی خوب بر سایه نوریاه سیستم های باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶
 - [۴]. حر عاملی، محمد بن حسن ۱۹۹۱ (م.م.) وسائل الشیعه. تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 - [۵]. سالاری فر، محمدرض (۱۳۸۵) خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت.
 - [۶]. ۱۲ صفورایی، محمد مهدی. (۱۳۸۲) معرفت، ۷۵، «ایمان به خدا و نقش آن در کاهش اضطراب» (۱۱، ۱۱، ۱۳۸۸)
 - [۷]. شارع پور، محمود (۱۳۸۰) فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۳،
 - [۸]. علاقبند، مهدی (۱۳۸۴) درآمدی بر سرمایه اجتماعی، مجله اینترنتی فصل نو.
 - [۹]. کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه های اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
 - [۱۰]. گولد، جولوس و کولب، ویلیام (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر پورهام و دیگران. تهران: انتشارات مازیار.
 - [۱۱]. گیلفورد جی پی (۱۹۷۷) ماهیت هوش انسان. بوینس آیرس، پایدوس.
 - [۱۲]. مجلسی، محمد باقر ۱۹۸۳ (م.م.) بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مدرسه حکمرانی شهید بهشتی (m.hokmrani@sndu.ac.ir). [۱۳]
- [۱۴]. ملا حسینی، حسین (۱۳۸۱) بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
 - [۱۵]. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰) ارزش ها و نگرش های ایرانیان، یافته های پیمایش در ۲۸ استان کشور، دفتر طرح های ملی.

- [16]. Gould, Glenn (1999). Roberts, John Peter Lee (ed.).
- [17]. Kaufman, D., Kraay, A. (2007). Governance Indicators: Where Are We, Where should we be going? Global Governance Group. Policy Research Working Papers.No, 4370, Washington DC: World Bank.
- [18]. Metanexus Institute. (2006). "Metanexus Spiritual Capital Research Program". Retrieved December 1, 2006, from http://www.metanexus.net/spiritual_capital/.